

نقش آموزشی مساجد در تمدن اسلامی

محمد حسین ریاحی
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم اصفهان



اشاره:

در نوشتاری که پیش رو دارید نقش آموزشی، تربیتی و فرهنگی مساجد و تأثیراتی که این مراکز اسلامی بر پیدایی و رشد تمدن اسلامی داشته اند، به بحث گذاشته شده است. آنچه در این میان تکیه گاه و مورد استناد نویسنده قرار گرفته، بیشتر مستندات تاریخی ای است که درباره مساجد قدیم اصفهان و نیشابور در کتابهای تاریخی و سفرنامه ها یافته است.

روضات انجمنات

فی احوال العلماء والتادات

تألیف

المعتمدات آیت‌الله العظمیٰ الخراسانی (مد ظله العالی)

الدرر الاسلامیة

بی شک یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه های آموزشی، تربیتی و فرهنگی وجود مساجد بود. علی رغم اینکه مساجد معمولاً در منظر عام به عنوان یکی از اصلی ترین کانونهای عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی قلمداد می شود، اما از تأثیر شگرف این مکانهای عبادی در توسعه آموزش و فرهنگ نمی توان به راحتی گذشت. تا زمانی که مدارس به طور رسمی در دنیای اسلام موجودیت نیافته بود بار امور علمی و آموزشی به دوش مساجد بود. از همان اوایل، آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و مدارس در حقیقت از مساجد انشعبا یافته بود، چرا که تعلیم و تربیت در دهه های اول تاریخ اسلام معمولاً در ارتباط با فرامین دینی بود و مسلمانان نیازمند آشنایی با معانی و مفاهیم مذهبی بودند و طبعاً برای فراگیری و آموزش راهی مساجد می شدند. بر طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش، قرآن کریم بوده است. یعنی، حفظ و درک مطالب قرآن نقطه شروع بود و پس از آن فراگیری و مطالعه اخبار و احادیث نبوی (ص) مطرح گردید. به نوشته استاد جلال الدین همایی (ره): «در ابتدا مراکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه ها و حلقه های درس در جوامع و مساجد تشکیل می شد. احياناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره ای از آنها کتابخانه های عظیم نیز داشتند». [همایی، تاریخ علوم اسلامی، ۳۶]

از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند. مسلمانان امور داوری، قضاوت، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروحان، اعلام و وظایف حکومتی را نیز در مسجد انجام می دادند. پس بدین گونه بنیانگذاری یک مسجد در هر کجا اسلام گام می نهاد، ضروری بود و در هر جا، چه مسلمانان آن را فتح می کردند یا می ساختند، بزودی و بیدرنگ مسجد ساخته می شد [ر. ک: شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، ۹۰]

دیدگاه اسلام و بینشی که تعالیم آسمانی آن ارائه کرد، باعث بالا بردن سطح اجتماع از جهات مختلف، از جمله مسائل فرهنگی گردید، و به نوشته السباعی: «اسلام امور دینی و دنیوی را با هم ارتباط می دهد و آنها را با عقاید و افکار روشن و دقیق بیان می دارد و مسجد که مرکز عبادت و نیایش است، در طول تاریخ، مرکز زندگانی اجتماعی تمام مسلمانان نیز بوده است. بدین ترتیب مسجد در چهارچوب حوزه خود - علاوه بر محل نیایش بودن - محل تجمع مردم، پناهگاه مسافران، محل توزیع غذا برای فقرا بوده و وظیفه آموزش را نیز بر عهده داشته است». [مکی، نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۹]

رویداد دیگری که بر وجود فعالیت علمی مسجد و تشکیل حلقه های درس در عصر نبوت دلالت دارد، این است که رسول خدا (ص) روزی وارد مسجد شد و دید که از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است، یک حلقه به ذکر عبادت مشغول و آن یکی به تعلیم و تعلیم سرگرم. و چون نیک نگریست فرمود هر دو گروه کردار نیک دارند، اما من برای تعلیم فرستاده شده ام. (کلاهما علی خیر ولکن بالتعلیم ارسلت)، و خود آن حضرت در حلقه ای

که سخن از تعلم و تعلیم بود نشست. [مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ۴۳۷]

مؤلف کتاب تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام نیز با اعتقاد بر اینکه اولین و مهمترین کانونهای علمی و تربیتی مسلمانان در قرون اولیه هجری مساجد بوده اند آورده است: «این مکان در جهت محافظت و دفاع از اصول و قواعد دینی و به طور کل در زبان و فرهنگ عامه و در سالهای بعد در تعلیمات عالی اسلامی رکن و اساس بوده و تأثیری عمیق و خدمتی بسزا نموده است. در مکتبخانه ها تعلیمات مقدماتی؛ یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث بصورت بسیط و ساده آموزش داده می شد و این برنامه ارتباط تعلیمات اسلامی را - از مسجد تا مؤسسات تعلیمات عالی - تأمین می کرد. پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به شهر مدینه ساختمان مسجد قبا را در آنجا آغاز نمود که اولین مسجد اسلامی است. هنگام ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه مسجدی در محلی به نام «مرید» دایر گردیده بود و گفته می شود که حضرت در همین محل به طرفداران خود مسائل دینی و دنیوی را تعلیم کرده است. پس ملاحظه می گردد که از همان زمان پیامبر (ص)، عبادتگاههای اسلامی مراکز تربیتی نیز بوده است. در واقع مساجد جای مناسب برای تعلیم علوم دینی هستند. با فتوحات و توسعه جهان اسلام مساجد با سرعت زیادی در تمام مناطق بنا گردید و رو به فزونی نهاد. به مناطق مختلف عربستان که اسلام را می پذیرفتند، جهت تعلیم قرآن از سوی رسول اکرم (ص) افرادی اعزام می گردید. مناطق و اشخاصی که این مأموریتها را انجام داده اند معلوم و محقق است، کار تعلیم قرآن و مسائل دینی که زمان آغاز آنها از حیات پیامبر اکرم (ص) در مدینه، مکه، طائف،

اسلامی - نیز این تأثیر محسوس بوده است، به طوری که این مسئله در اندلس هم مصداق داشته است. مسلمانان اسپانیا امور مربوط به تعلیم و تربیت را در مساجد انجام می دادند. مقری، مورخ مشهور اندلسی، می نویسد: مردم اندلس مدارس مستقل ندارند که بتوانند در کسب دانش آنان را یاری نمایند. آنان با پرداخت اجرت شاخه های علوم را در مساجد یاد می گیرند. ضمناً این مورخ از کار تدریس خود در جامع قرطبه، نخله و زاهره سخن می گوید. [داغ، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۱]

معمولاً در مساجد جایگاه یا جایگاههایی برای تدریس وجود داشت، از جمله قسمتی به نام «صفه» در مسجد مدینه یا حتی در برخی از مساجد ایران مانند مسجد جامع اصفهان که در آن قسمت، فعالیتهای آموزشی محسوس بود. در قسمتی از این مسجد (مدینه) ایوانی سرپوشیده به نام صفه بنا شد. در روز استادانی که به این منظور انتخاب شده بودند به شاگردان آموزش می دادند و شاگردان شب در آنجا می خوابیدند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) بزرگان صحابه آن حضرت و پس از ایشان تابعین در این مسجد به تدریس و تعلیم می پرداختند.

یکی از مدرسان معروف مسجد النبی، عبدالله بن سعید بن عاص بوده است. وی اولین معلمی بود که در این مسجد به آموزش خط پرداخت. وی در دوره جاهلیت از کاتبین معروف عرب بود که توسط پیامبر اکرم (ص) مأمور آموزش هنر، خطاطی و آموزش قرآن شد. با این همه تدریس و بحث در زمینه مسائل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود. در مدینه مساجد کوچکتر و محدودتری وجود داشت که فعالیت آموزشی می کردند. [درانی، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، ۱۶۴]

صنعا و بحرین بوده است، در زمان خلفای راشدین نیز در سطح وسیع تری ادامه یافت و در بصره، کوفه، حمص، شام، فسطاط و شهرهای سرزمینهای فتح شده تعلیم مشابه صورت پذیرفت. بطوری که خلیفه دوم در انتصاب و اعزام والی برای بصره، کوفه، سوریه و مصر از آنها خواست که در محل مأموریت خود مسجد بنا نمایند. [داغ، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ۹]

علاوه بر تشویقهای مکرر پیامبر (ص) به آموزش و تعلیم و تربیت که مساجد را به عنوان کانونهای ارزشمند علمی و فرهنگی درآورده بود، امام علی بن ابیطالب (ع) نیز با خطبه ها و بیانات شیوا و آموزنده خود در مساجدی چون مسجد کوفه مردم را آموزش و تعلیم می داد. مسلماً در زمان ائمه معصومین (ع) نیز - بویژه در دوران حیات امام باقر (ع) و امام صادق (ع) که آموزش و تعلیمات به اوج شکوه رسید - مساجد نیز بعنوان اصلترین پایگاههای معنوی و آموزشی به حساب می آمد. مراکز علمی و آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی خانه های ائمه و پیشوایان مذهب یا مساجد بود. از آن به بعد، مدفن امامان و اهل بیت (ع) از جمله شهرهای کاظمین و سامراء در عراق و شهرهای قم و مشهد در ایران مرکز تجمع علمای شیعه و از حوزه های پر رونق علوم اسلامی و معارف شیعی در دنیای اسلام شد. غنیمه، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ۹]

شمار مساجد که از ابتدای اسلام آغاز شده بود، با گذشت زمان فزونی می یافت و طبعاً با گسترش این کانونهای عبادی، علوم و آموزش نیز توسعه پیدا می کرد. بنا به اظهار یعقوبی در قرن سوم هجری در شهر بغداد ۳۰ هزار مسجد وجود داشته است. [یعقوبی، البلدان، ۹]

در مصر فزونی و گستردگی اگرچه به اندازه عراق و حجاز نبود، لکن این مراکز عبادی نیز از حیث آموزشی قابل توجه بوده است. ابن جبیر، سیاح معروف (د. ۶۱۴ ه. ق) درباره مساجد اسکندریه آورده است: «این شهر افزونتر از هر شهر دیگر خدا، مسجد دارد تا بدانجا که تخمین مردم درباره تعداد مساجد آن متفاوت است: برخی بیشتر و برخی کمتر گویند، آنکه بیش گویند تخمینش به دوازده هزار باب مسجد می رسد و آنانکه کم گویند متفاوتند: پاره ای گویند هشت هزار باب است و پاره ای رقمی جز این گویند و به هر حال مسجدهای آن شهر بسیار و افزون از شمار است. چنانکه چهار یا پنج مسجد در یکجا دیده می شوند و چه بسا چند مسجد ترکیب شده و مجموعه ای تشکیل داده باشد. تمام این مساجد را پیشنهاد کنند که از جانب سلطان شهریه دارند». [ابن جبیر، سفرنامه، ۷۴] با این حساب اگر هر یک از مساجد را مکانی برای تعلیم و تربیت داریم از وسعت فعالیتهای تعلیماتی دچار شگفتی خواهیم شد.

با بررسی نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت در اسلام متوجه می شویم که تقریباً در همه مناطق جهان اسلام - بویژه غرب

خدمات متقابل

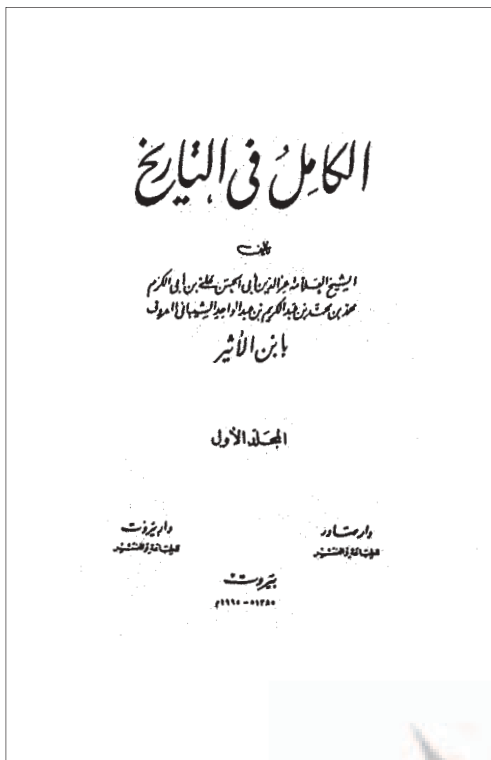
اسلام و ایران

استادشید
مترجمی نظری

آشنائات صدرا

قم - خیابان ارم

تلفن ۹۱۵۲۲



از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمین، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آیین اسلام گراییدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمینهای فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعین ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه های پیکار ترجیح می دادند، در مساجد نوینباد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره، مدائن، بنیاد گردید. در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد. در این مساجد علاوه بر مسائل دینی و سیاسی، مسائل علمی نیز مطرح می شد و حلقه های درس که شرکت در آن برای هر جوینده دانش ممکن بود تشکیل می گشت. بسیاری از صحابه پیامبر(ص) و تابعین ایشان و نیز پیشوایان مذاهب در این دانشگاههای عمومی اسلامی به تعلیم مبانی دین و نشر مذهب معتقد خود پرداختند. مسجدالحرام در مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبة الصخره در بیت المقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی در این دوره بوده است. [غنیمة، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ۱۵۶] در بین شهرهای ایران بزرگ، مساجد برخی شهرها در عرصه تمدن اسلامی و در امور آموزش فعال و پر ثمر بوده اند. از جمله می توان به جامع سیستان، مسجد جامع ری، مسجد عتیق شیراز مسجد جامع اصفهان، و برخی مساجد بخارا، نیشابور، مرو، هرات و تبریز اشاره نمود. در اینجا مناسب است از نقش آموزشی و تربیتی دو شهر مهم تاریخی ایران؛ یعنی اصفهان و نیشابور یاد شود.

از جمله مساجد اصفهان که در موضوع فرهنگ تعلیم و تربیت در سده های متمادی نقش فعال داشته اند می توان از مسجد جامع کبیر (عتیق)، جامع صغیر (جور جیر) و جامع عباسی یاد نمود که خوشبختانه هنوز این مساجد بر جای مانده است. اما در مورد نیشابور از جامع عتیق، مسجد جامع منبعی و مسجد عقیل باید یاد نمود، که متأسفانه این مساجد اکنون پابرجا نیست.

الف) مساجد اصفهان

۱. مسجد جامع کبیر (عتیق) اصفهان

به نوشته ابونعیم اصفهانی در صدواندی پس از هجرت، ایوب بن زیاد به عنوان عامل خراج و سعید بن منصور حمیری به عنوان امیر جنگ از سوی منصور خلیفه عباسی، به اصفهان گسیل شدند. پس از برکناری سعید بن منصور، ایوب بن زیاد که مسئولیت جمع آوری مالیات و امور جنگ را با هم عهده دار شده بود، در قریه «خشینان» منزل گزید و کاخی بر کرانه رودخانه فرسان و در جوار آن مسجدی دارای مقصوره بنا نهاد و در آنجا منبری قرار داد. وی همچنین برای تجار و کسبه و کارگران طرح بازاری انداخت که در جنب یهودیه در مکانی معروف به «صف التبانین»

(بازار گاه فروشان) ساخته شد. در روزگار ولایت ایوب بن زیاد خانه های یهودیه به خانه های قریه خشینان متصل شد. پس از برکناری ایوب، اعراب قبیله تیم که ساکن قریه طهران در حومه اصفهان بودند، مسجد جامع بزرگی در یهودیه بنا کردند و در ۱۵۶ ه. ق منبر مسجد ایوب بن زیاد را بدانجا انتقال دادند. [ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، ۱۲۹]

یهودیه پس از بنای مسجد جامع از طرف صحرا گسترده شد و پانزده ده به آن اضافه گردید. با وسعت یافتن یهودیه مردم به توسعه مسجد پرداخته بر آن اضافاتی نمودند که از جمله آنها زمینهای معروف به خصیب آباد بود که خصیب بن سلم به مسجد اضافه کرد. در ۲۲۶ ه. ق در زمان خلافت معتصم عباسی و امارت یحیی بن عبدالله بن مالک خزائی مسجد جامع تجدید بنا شد و مساحت آن با اضافاتی که از زمینها و خانه ها به آن ضمیمه گردید، افزوده شد [ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، ۱۳۰]

در قرون اولیه اسلامی نیز این مسجد علاوه بر نقش عبادی از حیث آموزشی هم قابل توجه بود، بطوری که مافروخی در کتاب محاسن اصفهان در باب اهمیت جامع این شهر آورده است: «برای اقامه هر نماز کمتر از پنج هزار در آنجا گرد نمی آمد و در کنار هر جزری مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشتند. آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است. در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده می شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده و به تسبیح و دعا زندگی را می گذرانند». [مافروخی، محاسن اصفهان، ۶۲] یکی از مراکز مهم علمی و مکانهای حضور علما و دانشمندان

در عصر آل بویه همین مسجد بوده است، به طوری که افرادی مانند صاحب بن عباد (د. ۳۸۵ ه. ق) و یا ابوالعباس ضبی (د. ۳۹۸ ه. ق) در این مسجد سرمایه گذاری قابل توجهی نموده اند. از جمله اینکه مرحوم همایی بر این اعتقاد است که کتابهای بسیاری از صاحب، که دارای کتابخانه شخصی بزرگ و ارزشمندی بوده به این جامع منتقل شده است. مکان این دارالکتاب در سمت شمال و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بوده است. غنای این کتابخانه تا حدی بوده که نسخه های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانشها را تأمین می کرده است. [ریاحی، «نصدمین سال آتش سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۳؛ جلوه های هنر در اصفهان، ۲۲۸]

آنچه که از منابع تاریخی به دست می آید اینکه با توجه به مراتب علمی و معنوی صاحب بن عباد وی به تدریس و تعلیم شاگردان در مسجد جامع اشتغال داشته است و ایوان جنوبی مسجد هنوز به نام «صفه صاحب» معروف است و معلوم می شود صاحب اسماعیل بن عباد در بنایی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته به تدریس می پرداخته است. ولی در هر صورت با توجه به تحولات ساختمانی و تغییر و تبدیلی که به عمل آمده، اکنون نمی توان سبک ساختمان ایوان صاحب را بدرستی تمام تعیین نمود. [هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۴۳]

در همین دوره (آل بویه) نیز مسجد جامع عتیق اصفهان شاهد رفت و آمد علما و دانشمندان فرق و مذاهب اسلامی و گفتگو و مباحث آنان بود که گاهی مسائلی نیز در پی داشت. از جمله درباره عالم معروف حافظ ابونعیم اصفهانی نقل شده است: از روزگار ابو عبدالله منده (د. ۳۹۵ ه. ق) تا سالها پس از درگذشت او، ابونعیم از ورود به مسجد جامع اصفهان و تشکیل درس و وعظ ممنوع بود. در این اثنا در سال ۴۲۱ ه. ق مسعود غزنوی به اصفهان تاخت و کشتارها کرد. از قضا روزی را که بسیاری از مردم به مسجد جامع رفتند و مانع ورود ابونعیم به آنجا شدند، سپاهیان مسعود به مسجد یورش بردند و هر که را در آن یافتند کشتند. بدین سان ابونعیم از مرگ حتمی ایمن ماند. برخی نویسندگان این رویه را حمل بر مستجاب الدعوه و صاحب کرامت بودن ابونعیم کردند. [ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، ۳۰]

با توجه به دگرگونیهایی که در این جامع کبیر در عصر سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی (د. ۴۸۵ ه. ق) بوجود آمد، این مسجد شکوهی خاص یافت. و با توجه به تبعات محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده و به صورت مسجدی چهار ایوانه در آمد. [گدار، آثار ایران، ج ۴، ۴۶]

مهمترین آثار بر جای مانده عهد ملکشاه در اصفهان، یکی

گنبد خواجه نظام الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام الملک حک شده و ظاهراً در سال ۴۷۳ ه. ق به پایان رسیده است. دیگری گنبد تاج الملک در شمال مسجد جامع از آثار آخرین وزیر ملکشاه ابوالغنائم تاج الملک مورخ به سال ۴۸۱ ه. ق است که معماری آن از نظر باستانشناسان دنیا اعجاب انگیز است. [هنرفر، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ۵۲]

این آثار از جلوه های برجسته هنر سلجوقی محسوب می شود و هنوز با گذشت نزدیک به هزار سال عظمت خاصی به این جامع بخشیده است. در همین دوره نیز نقش آموزشی و تربیتی مسجد جامع اصفهان هم ملموس و قابل ملاحظه است، به ویژه اینکه در کنار تدریس و تحصیل، کتابخانه بزرگی جهت طالبان علم وجود داشت. عظمت این دارالکتاب بحدی بود که نویسنده محاسن اصفهان پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را این گونه توصیف می کند: «در آنجا کتابها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته اند. تفاسیر و غرائب حدیث و مولفات در نحو و فقه و تفسیر و ابنیه حرف می باشد. و نیز در آن از دیوانها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جویای فضل و ممیز دانش و نادانی بدانها احتیاج پیدا می کنند، همه وجود دارد». [مافروخی، محاسن اصفهان، ۶۳]

اما این کتابخانه بزرگ و مهم که نقش عمده ای در توسعه تعلیمات و امور آموزشی در این مسجد و یا مجامع دیگر داشت و دارالکتاب مهم جامع در قلب امپراتوری سلجوقی به حساب می آمد، در سال ۵۱۵ ه. ق یعنی حدود ۳۰ سال پس از قتل خواجه نظام الملک

و در گذشت ملک‌شاه مورد دستبرد، غارت و حریق دشمنان حاکمیت سلجوقی واقع شد. ابن اثیر پس از بیان حریق شبانه توسط باطنیان در مسجد جامع اصفهان، آن را بزرگترین جامعه‌ها و با شکوه‌ترین مساجد در دنیای اسلام قلمداد کرده است. [ابن اثیر، الکامل، ج ۶، ۵۷۶] آنچه در آتش سوزی سال ۵۱۵ ه. ق در مسجد جامع عتیق اصفهان طعمه حریق گردیده، توابع مسجد یعنی مزیفها، مخزنها و کتابخانه بوده است. [هنر فر، گنجینه آثار، ۱۷۹] مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی ضمن اظهار اینکه در آن دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونقی بسزا داشته است می‌نویسد: «کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته بودند تا نیازمندیهای استادان و شاگردانی را که پای هر ستونی از ستونهای متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند پاسخ بدهد». [جلوه‌های هنر، ۲۲۸]

به هر حال در آتش سوزی سال ۵۱۵ ه. ق نه تنها کتابخانه نفیس مسجد جامع یا دارالکتاب مهم شهر بکلی نابود شد، بلکه بنای مسجد جامع نیز صدمات بسیاری را متحمل گردید. ازدوران سلجوقی تا زمان صفویه نیز کم و بیش جنب و جوشهای علمی و فرهنگی در این مسجد کهنسال وجود داشته است. و از جمله الحاقاتی که در جامع عتیق اصفهان صورت گرفته و تحت عنوان مدرسه هم بوده است، مربوط به دوران آل مظفر است. بنای ساختمان معروف به مدرسه مظفری در مجاورت ایوان شرقی و در خارج از محدوده مسجد عباسی در امتداد دیوار قدیمی آن بود. این بنا به استناد کتیبه‌های آن در زمان حکومت قطب الدین شاه محمود فرمانروای اصفهان بین سالهای ۷۵۷ و ۷۷۶ ه. ق بنا گردید. [هنر فر، گنجینه آثار، ۱۳۶] مدرسه مظفری به ابعاد ۶۵×۲۵ متر شامل صحن بزرگ مستطیلی شکلی است که در قسمت جنوبی آن به ترتیب:

یک ایوان وسیع و سپس یک تالار بر محور شرقی - غربی که محرابی در آن جای دارد، قرار گرفته است. قسمت شمالی صحن مدرسه نیز در اصل از وضع مشابهی برخوردار بوده است. ساختمان مدرسه مظفری در پشت ایوان شرقی از طریق سه درگاه که به ترتیب در شاه نشین و در دو اتاق جانبی قدیمی در انتهای این ایوان تعبیه شده است با آن مرتبط گردید و این سه فضا به عنوان راهرو مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در دوران بعدی هنگامی که سه فضای مذکور از طرف ایوان مسدود شدند، از آنها به عنوان انبار وسایل یا اتاق سرایدار استفاده می‌شد. عاقبت این سه فضا از طرف مدرسه نیز مسدود و متروک گردیدند. [دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۲۰۹]

با توجه به این مطالب می‌توان حدس زد که در قرن هشتم و نهم هجری نیز با وجود ایجاد مدرسه مظفری رونق این مسجد چشمگیر بوده است.

اما در عصر صفوی هم چه قبل از پایتختی اصفهان و چه پس از آن مسجد جامع در توسعه امور علمی و فرهنگی شهر اصفهان نقش موثری داشته است. این نهاد عبادی، آموزشی محل اجتماع دانش پژوهان بوده است و عده‌ای از علما و دانشمندان آن دوره در آنجا درس، بحث و وعظ و خطابه داشته‌اند که از آن جمله است: شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی که در این مسجد منصب تدریس و خطابه داشته است. وی که قریب صد سال عمر نمود از شیخ عبدالعالی محقق کرکی (د. ۹۴۰ ه. ق) روایت کرده و جمعی از دانشمندان نیز از او اخذ حدیث و از وی روایت کرده‌اند که نامورترین آنان عالم جلیل القدر محمد تقی مجلسی (د. ۱۰۷۰ ه. ق) است. ملا محمد تقی مجلسی و فرزندش علامه ملا محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۱ ه. ق) به این مسجد، از جهت علمی رونق ویژه‌ای بخشیدند. [مهدوی، تذکره القبور، ۲۲۱]

مجالس تدریس مجلسی اول در این مسجد برپا می‌شده و ملا محمد باقر نیز پس از فوت پدر در این مکان تدریس کرده است و بجای او اقامه جماعت می‌نمود. محل درس مجلسی دوم در چهلستون مسجد در زاویه جنوب غربی قرار داشته و هنوز مردم اصفهان از خاص و عام آن قسمت از مسجد را مدرس مجلسی می‌گویند. [دوانی، علامه مجلسی، ۲۱]

بیشتر مطالعات و فعالیت‌های علمی علامه (محمد باقر) مجلسی در زمینه حدیث و فقه بوده است، به گونه‌ای که مباحثه و مذاکره علوم فقه و حدیث را بر تمام مشاغل دیگر خود مقدم می‌دانسته است. وی همچنین در این مسجد نماز جمعه به پا می‌داشته است.

مجلسی دوم در خطبه‌های نماز جمعه و شبهای ماه مبارک رمضان، در این مسجد ساعتها مردم را موعظه می‌کرده است. چنانکه وعظ او و ترغیب مردم به عبادت و اطاعت خداوند بعد از وی نظیر پیدا نکرده است. [دوانی، علامه مجلسی، ۲۱]

عالم محقق و محدث گرانمایه، سید نعمت‌الله جزایری که از شاگردان ملا محمد باقر مجلسی است، نوشته است: «و بخاطر دارم در دهه هزار و هفتاد هجری روز جمعه در مسجد جامع منبر بود و انواع علوم و مواعظ را برای حاضران بیان می‌فرمود». [خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ۲۷۸]

دائرة المعارف بزرگ اسلامی

جلد
چهارم

ابن سینا - ابن سینا

زینظر

کاظم موسوی بجنوردی

تیران، ۱۳۷۰

(سلطنت ۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق) ملا محسن فیض کاشانی را که در کاشان اقامت داشت، به اصفهان دعوت نمود و امامت مسجد جامع اصفهان را به او واگذار نمود و خود نیز در نماز جماعت به او اقتدا کرد. [هدایت، روضة الصفاى ناصرى، ج ۸، ۵۸۵] با توجه به توانایی فوق العاده فیض کاشانی در علوم اسلامی می توان وجود او را در این مسجد باعث برکات فوق العاده علمی و معنوی در آن زمان تلقی نمود.

۲. مسجد جامع صغیر (جورجیر)

یکی از مساجد مهم و مؤثر در امور فرهنگی و آموزشی در قرون اولیه اسلامی، مسجدی است که آن را جورجیر نیز نامیده اند و مافروخی از مسجد جامع صغیر معروف به جورجیر در برابر مسجد جامع کبیر (عتیق) یاد می کند. برخی را بر این اعتقاد است که چون این مسجد در محله رنگرزان واقع شده بود به جامع رنگرزان نیز مشهور بوده و توسط صاحب بن عباد، ملقب به «کافی الکفات»، در قرن چهارم بنا شده است. اما با توجه به اینکه طبق نقل برخی تذکره ها، شیخ ابو مسعود صوفی رازی (د. ۲۵۸ ه.ق)، عالم معروف اهل سنت در قرن سوم، در این مسجد سخنرانی می کرده است، می توان بنای این مسجد را مربوط به قبل از دولت آل بویه دانست. [بیان، خلدبرین، ۱۹۱-۱۹۵؛ ریاحی، فضائل امام علی(ع)، ۱۷]

مسجد جامع جورجیر کوچکتر ولی زیباتر از جامع کبیر بنا نهاده شده بود و بیشترین شکوه آن به ویژه از حیث رونق آموزشی و علمی در زمان آل بویه بوده است. مؤلف محاسن اصفهان از جنب و جوش علمی این مسجد و امکانات آن یاد کرده و این مکان را مشتمل بر شبستانها و خانقاه و کتابخانه، مدارسی برای فقها و مجالسی برای ادبا و محللهایی برای شاعران، صوفیان و قاریان قرآن دانسته است. [مافروخی، محاسن اصفهان، ۶۳] از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده است که خاک رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده بود، محکمتر از خاک جامع عتیق بوده است و منار آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمانهای آن محکم و امرتفع بوده است. جامع جورجیر یا رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران و حکیم داود هندی بر روی آن، مسجد معروف به «حکیم» یا «تقرب خان» را در زمان شاه عباس دوم صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سر دری باقی است که در سال ۱۳۵۵ شمسی از زیر خاک بیرون آمده است. [مافروخی، محاسن اصفهان، ۶۳؛ آثار علمی اصفهان، ۱۵۱]

شخصیتهایی در این مکان و محل آمد و شد داشته و یا منسوب به این مسجد یا محله بوده اند که از جمله می توان به ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان جورجیری (د. ۱۸۴ ه.ق)، محمد بن حسن جورجیری، ابوجعفر محمد بن عمر بن حفص جورجیری، ابوالقاسم طاهر بن محمد بن احمد عکلی جورجیری (د. ۴۳۹ ه.ق) یاد نمود که از مبرزین محدثان، راویان و علمای زمان خود بوده اند. [رفیعی، آثار ملی اصفهان، ۱۵۱] تغییرات ایجاد شده توسط طبیب شاه عباس دوم یعنی حکیم داود هندی قابل توجه بود و به نظر می رسد این تحولات عمده در مسجد به سال ۱۰۷۳ به پایان رسیده باشد. با توجه به رونق علمی عصر صفوی در اصفهان،

تلاش علمی مجلسی و تدریس و تعلیم او زمان نمی شناخت؛ حضورش چه در هوای گرم و یا حتی زمستانها در مسجد جامع عتیق، رونق خاصی به آنجا بخشیده بود. به طوری که در ایام زمستان، در روزهای آفتابی در صفا درویش - که روزگاری جد مادرش (درویش محمد) در آنجا حدیث تدریس می فرمود - و در مواقع برف و باران در شبستان چراغی معروف به حلنبی، تدریس می کرده است. [مهدوی، زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ۱۸۵]

شاید یکی دیگر از علل جنب و جوش فوق العاده علمی این جامع در عصر ملا محمد تقی و ملا محمد باقر مجلسی، نزدیکی منازل آنها به جامع اصفهان بوده است. این خانه تا حدود ۳۰ سال پیش نیز باقی مانده بود که متأسفانه عمده آن خراب شد و تنها قسمتی از آن بر جای مانده است.

خانه های برخی دیگر از علمای وابسته به خاندان مجلسی نیز در حوالی مسجد جامع بوده است، مانند منزل میرزا علاءالدین گلستانه (برادر زن علامه مجلسی) در آخرین کوچه و خانه میر محمد صالح خاتون آبادی در اواسط این کوچه و منزل سید حسنعلی (خواهر زاده علامه ملا محمد باقر مجلسی) در جنب مسجد در قسمت شمالی مقبره علامه مجلسی بوده است. [دوانی، علامه مجلسی، ۴۶۶]

البته در دوران صفوی علمای نامور دیگری نیز در این مسجد اقامه نماز نموده و یا تدریس کرده اند، به طوریکه شاه عباس دوم

آثار ایران

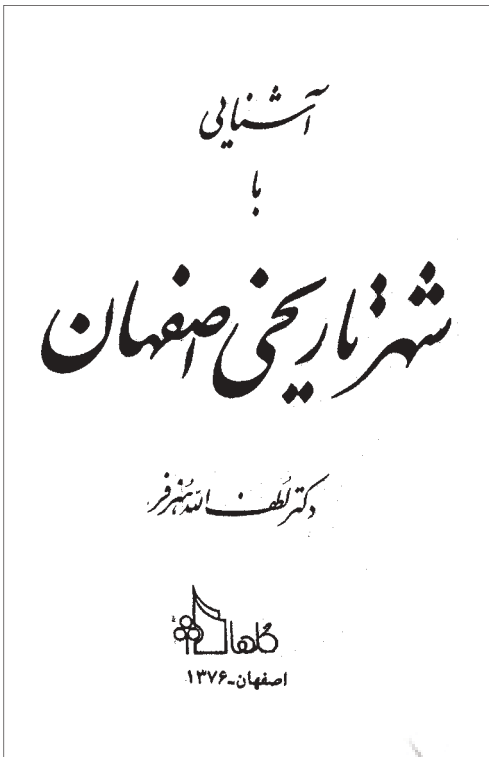
[۱۱]

اثر

آندره گدار، پدا گدار، ماکسیم سیروو

ترجمه:

ابوالحسن سروقد مقدم



شکل مثلث قائم الزاویه است که وتر مثلث در جهت طرفی است که ظهر را تعیین می کند. و یک ضلع نیز مجاور زاویه قائمه متصل به دیوار است و ضلع دیگر نماینده قبله مسجد است [هنرفر، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ۸۰].

مدرسه سلیمانیه چون اکثر مدارس عهد صفوی اختصاص به آموزش های مذهب شیعه اثنی عشریه داشته است. از جمله علمای عصر صفوی که از شاگردان ملا محمد باقر مجلسی بوده و در این نهاد آموزشی به تحصیل مشغول بوده است، مولانا جمشید کسکری است. [دوانی، علامه مجلسی، ۳۳۸]

۲. مدرسه عباسی (ناصریه):

در گوشه جنوب شرقی مسجد، مدرسه عباسی قرار دارد و به مناسبت این که در عصر ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه. ق) در آن تعمیراتی به عمل آمده است مدرسه ناصریه نیز نام گرفته است و گرنه بنای اولیه آن مربوط به اواخر دوره شاه عباس اول است. [سلطان زاده، تاریخ مدارس ایران، ۲۶۷]

آنچه مسلم است، به موجب کتیبه های تاریخداری که برجای مانده تزیینات کاشیکاری و کتیبه های آن از دوره شاه عباس دوم می باشد. [هنرفر، گنجینه آثار، ۴۵۴]

چند حجره در ضلع شرقی این مدرسه برای سکونت طلاب ساخته شده و این برخلاف مدرسه قرینه آن یعنی سلیمانیه است که در آن حجره ای وجود ندارد. ایوان جنوبی مدرسه عباسی دارای الواح و کتیبه هایی است که بر آن صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده و به خط محمدرضا امامی به سال ۱۰۷۷ ه. ق است. [هنرفر، گنجینه آثار، ۴۵۴]

کتیبه داخل محراب در این مدرسه مربوط است به دوره شاه

احتمال می رود از برخی مدرسه ها و حجره های آن جهت آموزش مسائل علمی بویژه دانشهای شیعه امامیه استفاده شده باشد به طوری که در عصر قاجار و دوران فتحعلی شاه و محمدشاه نیز علمای معروف شیعه مانند علامه ملا محمدابراهیم کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ ه. ق) در آنجا حضور داشته و اکنون بقعه این عالم ربانی مقابل در شرقی جامع جورجیر یا مسجد حکیم واقع شده است. حکیم متألّه و عارف وارسته حضرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب (د. ۱۳۵۵ ش) سالها در این مسجد تدریس و تعلیم داشته اند. [اریاحی، مجموعه ارباب معرفت، ۵۷]

۳. مسجد جامع عباسی:

این نهاد عبادی یکی از مهمترین بناهای عصر صفویه است که در گذشته به نامهای مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و جامع عباسی شهرت داشته و امروزه به مسجد امام معروف است. از آن، در کتب تاریخی مشهور عهد صفوی مانند عالم آرای عباسی و وقایع السنین والاعوام همه جا به نام مسجد جامع عباسی و مسجد جامع جدید عباسی (سلطانی) یاد شده است [خاتون آبادی، وقایع السنین والاعوام، ۵۰۷؛ ترکمان، عالم آرای عباسی، ج ۳، ۱۶۷۷]

این بنا در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام خمینی «ره») واقع گردیده، و از نظر ویژگیهای معماری، تزیینات غنی و آثار نفیس دیگر، از برجسته ترین آثار معماری ایران و تمدن اسلامی است. ساخت این مسجد در سال ۱۰۲۰ ه. ق به دستور و هزینه شاه عباس اول و معماری استاد علی اکبر اصفهانی آغاز گردید و کارهای تزیینی آن تا بعد از مرگ شاه عباس اول ۱۰۳۸ ه. ق همچنان ادامه یافته است. [هنرفر، گنجینه آثار، ۴۲۷]

در این مسجد عظیم دو مرکز علمی یانهاد آموزشی قرار دارد که جزء مسجد بشمار می رود، در عین حال به آنها مدرسه گفته می شود. این دو مدرسه عبارتند از:

۱. مدرسه سلیمانیه

در گوشه جنوب غربی مسجد، مدرسه ای واقع شده است که به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد و سه مدخل بزرگ دیگر به محوطه زیر گنبد غربی مسجد متصل می شود و «سلیمانیه» نام دارد.

سر در این مدرسه (به سمت کوچه پشت مسجد) دارای کتیبه ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی است. این کتیبه که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده به قلم محمدرضا امامی مورخ به سال ۱۰۷۸ ه. ق است. [هنرفر، گنجینه آثار، ۴۵۷] به علت ساخته شدن آن در زمان شاه سلیمان، آن را سلیمانیه نامیده اند. این نهاد آموزشی قرینه مدرسه عباسی (ناصریه) است و حجره ای ندارد و اطراف آن غرفه هایی که در داخل و خارج آن با کاشی های هفت رنگ تزیین شده قرار گرفته است [هنرفر، گنجینه آثار، ۴۵۴] در این مدرسه، قطعه سنگ ساده ای به شکل شاخص در محل معینی تعبیه شده است که ظهر شرعی اصفهان را در چهار فصل نشان می دهد و چنان که می گویند محاسبه آن را «شیخ بهایی» دانشمند، فقیه و ریاضیدان معروف عهد شاه عباس انجام داده است. سطح فوقانی این شاخص به

تدریس نموده و یا در آن مجلس وعظ و خطابه داشته اند ذکر کرده است از جمله این افراد می توان از: ابوالحسن اسماعیلی سراج، ابوحامد کرایسی قاضی (د. ۴۷۴ ه. ق.)، ابوبکر بن خلف شیرازی (د. ۴۸۷ ه. ق.)، ابومحمد حیری بزاز (د. ۴۷۳ ه. ق.)، اسماعیل بن احمد کرمانی، ابوبراهیم سراجی (د. ۴۸۵ ه. ق.)، شعیب بن محمد بن جعفر حنیفی واعظ، ابومحمد المطوعی، عبدالله بن ابی سهل قاری موذن، عبدالرحمن بن حمدان بن محمد بن حمدان نصروی (د. ۴۳۳ ه. ق.)، عبدالرحمن بن جنید ابونصر حاکم حنیفی، عمر بن محمد بن احمد بن جعفر ابوعبدالرحمن بحیری (د. ۴۵۶ ه. ق.) و نیز خانمی به نام نمار دختر ابی حسین احمد بن عبدالرحمن کیال یاد نمود. [فارسی، تاریخ نیشابور]

جامع نیشابور کتابخانه ارزشمندی داشته است، به طوری که یاقوت حموی آورده است: «در جامع قدیم نیشابور کتابخانه ای موقوفه، مخصوص مسلمانان وجود داشت که در قرن پنجم فراهم آمده بود». وی کتابهای کتابخانه این مسجد را نفیس و نادر توصیف نموده است. گزارش یاقوت قبل از ورود مغولان به این شهر و ویرانی آن بدست این قوم مهاجم بوده است. [حموی، معجم الادباء ج ۱۸، ۲۰]

همچنین مولف معجم الادباء در شرح حال محمد بن اسحاق بن علی بن داود زوزنی (د. ۴۶۳ ه. ق.) به نقل از عبدالغافر بن اسماعیل بن عبدالغافر فارسی (د. ۵۲۹ ه. ق.) که کارش استنساخ کتاب بوده و مطالب نسخه ای را که از روی کتاب غریب الحدیث خطابی نوشته بود، برای جدش عبدالغافر فارسی و الحاکم قرائت کرده تا آنان بشنوند و به تصحیح و تدقیق آن پردازند، چنین نوشته

سلیمان صفوی و به خط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ که به قلم محسن امامی در سال ۱۰۹۵ ه. ق است. این مدرسه که در عهد شاه عباس اول برای تعلیمات مذهب شیعه امامیه - ویژه تعلیم حدیث و فقه - تاسیس شده بود در دوره قاجاریه نیز به خاطر نزدیکی به منازل علمای خاندان نجفی (معروف به مسجد شاهی) دارای رونق خاصی بوده است. [مهدوی، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان؛ ج ۳، ۳۰۴] برخی حجره های این مدرسه در دست تعدادی از طلاب سالخورده بوده و کمتر مورد استفاده علمی قرار می گرفته است.

ب) مساجد نیشابور

در شهر تاریخی نیشابور، از اوایل قرون هجری تا قرن ششم یا حتی قبل از حملات ویرانگر اقوام بیابانگرد مغول، مساجدی فعال و متعدد وجود داشته اند که از جمله می توان از این موارد یاد نمود: مسجد جامع منیعی، مسجد جامع عتیق، مسجد خان الفرس، مسجد خبازی، مسجد الصرافین (اصفہانی)، مسجد عقیل و مسجد نوقانی. با بررسی تاریخ نیشابور به نقش این مساجد، علاوه بر یک پایگاه عبادی و معنوی به جهت آموزشی و تربیتی آنها پی می بریم که در اینجا به سه مورد از مهمترین آنها اشاره می شود:

۱. مسجد عتیق یا مسجد جامع کبیر نیشابور:

این بنا که در حال حاضر هیچ اثری از آن در دست نیست، توسط ابومسلم خراسانی ساخته شده و تاریخ نگاران بسیاری از این جامع یاد کرده اند. براساس این نوشته ها، جامع بسیار بزرگی بوده که در ۳۰ هزار متر زمین با هزار ستون ساخته شده و در میانه سرا دارای حوض و یخچال بوده است. همچنین در آن بنای کوچکتری با دوازده ستون و پایه بوده که شش ستون آن مرمری، دو ستون آن چوبی و چهارتای دیگر آجری بوده است. این بخش دارای گنبدی مذهب به ۲۰ هزار مثقال طلا بوده است. این مسجد دارای مناری کوتاه بوده که در زمان منصور بن طلحة بن طاهر، برادر زاده عبدالله بن طاهر (حاکم نیشابور)، منار قوی تر و بلندتری جایگزین آن شده است. در زمان عمرولیث صفاری، منصور منار را برانداخت و منار دیگری جایگزین آن کرد و نام و لقب خود بر آن نگاشت. «خمارتگین»، برجای مناره های مزبور مناری ساخت که نظیر نداشت. این منار چنان بلند بود که با قوه باد تکان می خورد، بدون آنکه آجری از آن بیفتد. این مسجد همچنین دارای منبری بسیار بلند و با شکوه بود. [دایرة المعارف بناها(مساجد تاریخی ایران)، ۱۲۳]

مسجد مذکور نقش عمده ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کرده است و به عنوان کانونی برجسته در شرق اسلامی - تا قرن پنجم - محسوب می شود، به طوری که مولف تاریخ نیشابور نام بسیاری از افراد مبرزی را که در این مسجد تحصیل کرده یا

تاریخ کتابخانه های مساجد ایران

تألیف

نادر کریمیان سردشتی

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مساجد تاریخی



تیران، ۱۳۷۸

را در آنجا وقف مسجد عقیل نمود». [ابن جوزی المنتظم، ج ۹، ۱۳] متأسفانه کتابخانه عظیم این مسجد در فتنه نیشابور نابود شده و به تاراج رفت. در این باره آمده است: «پس از آن همه کشتار و خرابی ناشی از حمله غزان بین علویان و شافعیه، چنان فتنه عظیمی بروز کرد که بسیاری از شافعیه کشته شدند، خانه امام الحرمین و بازارها و مساجد بسیار طعمه حریق گردید و دروس شافعی در نیشابور تعطیل شد. پس از آن «مویده آی به» در ربیع الاخر ۵۵۶ هـ. ق به نیشابور تاخت و جمعی از اهل فساد و کسانی را که مرتکب غارت و تخریب شده بودند را بکشت. در این وقایع نیشابور به کلی ویران گردید و مسجد عقیل که مجمع اهل علم بود با کتابخانه معظم آن و هشت مدرسه از حنفيه و هفده مدرسه از شافعیه بکلی خراب شده پنج کتابخانه به تاراج رفت و کتابهای آن به ناچیزترین بها بفروش رسید». [کسائی، مدارس نظامیه، ۱۸۴]

۳. مسجد جامع منیعی:

از دیگر پایگاههای علمی مطرح در خراسان و نیشابور مسجد جامع منیعی بوده است. در این نهاد عبادی مجالس درس و بحث و حلقه های علمی که در آن استاد و شاگرد به تدریس و تحقیق و تعلیم و تعلم مشغول بوده اند رواج و رونق داشته است. این مسجد را که در مقابل جامع عتیق، جامع جدید هم نامیده اند، ظاهراً در جای مسجد جامع فعلی نیشابور قرار داشته، که بعدها در سال ۸۸۹ هـ. ق توسط پهلوان علی بن بایزید، معاصر سلطان بایقرا، مجدداً ساخته شده است. [دایرة المعارف، بناها (مساجد تاریخی، ۱۳۲) به هر حال در قرن پنجم و ششم نیز این جامع به عنوان یک کانون برجسته و فعال علمی و آموزشی به حساب آمده است.

است: «سوگند می خورم به خدا که از کتاب غریب الحدیث نسخه ای روشتر و جالب تر از نسخه عبدالغافر باقی نمانده است این نسخه هم اکنون در اختیار گنجینه کتب موجود در مسجد جامع قدیمی شهر [نیشابور] قرار گرفته تا وقف بر مسلمین باشد و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی ببرند باید به تحقیق و بررسی در مورد آن پردازند» [حمومی، معجم الادباء، ۱۹۰] با توجه به گزارش یاقوت عظمت و غنای فرهنگی جامع عتیق نیشابور در آن زمان آشکار می شود.

۲. مسجد جامع عقیل

از دیگر مساجد نیشابور که در قرون اولیه اسلامی - علاوه بر اینکه مرکز مهم عبادی این عصر بود - از جمله نهادهای آموزش هم به حساب می آمد، مسجد جامع معروف به عقیل بود که بعدها جایگاهی بنام مدرس و مدرسه بدان افزوده شد. شخصی به نام مسعود بن ناصر شجری (د. ۴۷۷ هـ. ق) بنیان این مرکز علمی را گذاشت و کتابخانه ای نیز در آنجا بنیاد نهاد. تعداد دانش آموختگان و مدرسان این مسجد کم نبوده است و مسلماً از مناطق مختلف جهان اسلام هم در آن آمد و شد نموده و به فراگیری، املاء و استماع مسائل، احکام و اخبار روی آورده اند. در المنتخب من سیاق تاریخ نیشابور برخی افرادی که در این مسجد تعلیم دیده و یا تعلیم داده اند آمده است، که از جمله آنها می توان از محمد بن جعفر الفامی شادباخی (از مشایخ علمای نیشابور)، ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران معروف به امام ابواسحاق اسفرائینی، اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد فارس معروف به (ابوعبدالله فارسی، حسین بن محمد بن محمود مشهور به ابو سعید بن سوره) عبدالقاهر بن طاهر بن محمد معروف به ابومنصور بغدادی (از علمای مبرز در علوم مختلف مانند فقه، اصول، ادبیات و حساب) و شیخ امام حافظ مجدالدین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (د. ۵۲۹ هـ. ق) مصنف تاریخ نیشابور، یاد نمود. [فارسی، تاریخ نیشابور]

با توجه به پرورش تعدادی از نخبگان آن زمان جهان اسلام در این مسجد و مدرسه به جایگاه علمی آن در بین نهادهای آموزشی جهان اسلام - بخصوص شرف اسلامی - می توان پی برد به ویژه این که در منابع متعددی از کتابخانه عظیم این مسجد نیز ذکری به میان آمده است. بانی کتابخانه مسجد عقیل، مسعود بن ناصر بن ابی زید شجری (یاسجری) مکنی به ابوسعید، محدث و جهانگرد شهیر اهل سیستان بوده است. او مدتی در بغداد ساکن بوده و نزد شیوخ حدیث تلمذ کرده است. سپس برای اخذ حدیث به واسط، هرات، نیشابور، سیستان و برخی نقاط دیگر مسافرت نموده است. [کریمیان، تاریخ کتابخانه های مساجد ایران، ۷۱]. ابن جوزی در المنتظم درباره وقف کتابخانه این شخص به مسجد عقیل نیشابور آورده است: «مسعود بن ناصر کتابهای زیادی و نسخه های نفیسی را گردآوری کرده وی خوشنویس و در نقل مطالب امین بود. حافظ حدیث و کاتبی مورد اعتماد و کثیر الضبط بود. نظام الملک وی را برای مدتی در ناحیه بیبق نگه داشت و سپس برای استفاده علمی از وی، او را به طوس برده و بعداً در آخر عمرش به نیشابور نقل مکان کرده و در آنجا سکونت گزید. وی کتابهایش

۱۴. دایره المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی (مساجد تاریخی ایران)، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸ ش
۱۵. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش
۱۶. دوانی، علی، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش
۱۷. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش
۱۸. ریاحی، محمدحسین، فضائل امام علی (ع)، قم، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش
۱۹. همو، «نصدمین سال آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن»، نشریه کیهان فرهنگی
۲۰. همو، مجموعه ارباب معرفت، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تیر ۱۳۷۵
۲۱. سلطان زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ ش
۲۲. شلیبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه: محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش
۲۳. فارسی، ابوالحسن عبدالغافر، تاریخ نیشابور (المنتخب فی السیاق)، به گزینش حافظ ابواسحاق صریفینی، قم، جماعة المدرسین فی حوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ق
۲۴. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورالله کسایی، یزدان، ۱۳۶۳ ش
۲۵. کسایی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش
۲۶. کریمیان سردشتی، نادر، تاریخ کتابخانه های مساجد ایران، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش
۲۷. گدار، آندره، آثار ایران، ترجمه، ابوالحسن سرفوقمقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش
۲۸. مافروخی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ترجمه: حسن بن محمد ابی الرضا آوی، باهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸ ش
۲۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۵۹ ش
۳۰. مکی السباعی، محمد، نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه: علی شکوئی، چاپ اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ ش
۳۱. مهروی، مصلح الدین، تذکره القبور (بزرگان و دانشمندان اصفهان، اصفهان، ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۴۸ ش
۳۲. مهروی، مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، انتشارات حسینییه عمادزاده اصفهان
۳۳. مهروی، مصلح الدین، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم، نشر الهدایه، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش
۳۴. هدایت، رضا قلی خان، روضة الصفای ناصری، طبع تهران
۳۵. همایی، جلال الدین، تاریخ علوم اسلامی، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش
۳۶. هنرفر، لطف الله، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش
۳۷. هنرفر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۳ ش

استاد جلال الدین همایی، جامع منیعی را از بناهای ابوعلی حسان بن سعد نیشابوری (د. ۴۶۳ ه. ق) می داند. [همایی، تاریخ علوم اسلامی، ۳۶]

برخی عالمان و مسلمانان جامع منیعی عبارتند از: محمد بن عبدالجبار بن علی معروف به امام ابوالقاسم اسکاف اسفراینی، محمد بن اسماعیل بن احمد حسنویه معروف به ابوعبدالله مقری (د. ۴۸۶ ه. ق)، محمد بن عبدالرحمن ابوالفضل عمید خشاب (د. ۴۹۳ ه. ق) محمد بن عبدالله بن طاهر روقی طوسی، احمد بن محمد بن اسماعیل مشهور به ابوالحسن شجاعی (د. ۴۹۰ ه. ق)، اسماعیل بن عمرین محمد معروف به ابوسعید بحیری، اسحاق بن ابوسعید بن حمود صوفی مشهور به ابوالقاسم مقری، اسعد بن حمود بن علی عتبی کاتب، حسان بن سعید مشهور به ابوعلی منیعی، عبدالله بن احمد شافعی سمسار معروف به ابو محمد مصاحفی جامعی و تعداد قابل توجه دیگری که نام و نسب و موقعیت علمی آنها در برخی منابع، مانند تاریخ نیشابور ذکر شده است که در حقیقت مبین جایگاه والای نهاد علمی و عبادی منیعی در آن روزگار است. [فارسی، تاریخ نیشابور]

منابع:

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۷۹ م
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد، سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش
۳. ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الملوک والامم، حیدرآباد، دایرة المعارف العثمانیه، طبعه الاولی، ۱۳۵۷ ش
۴. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق سیدکسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، طبع اول، ۱۴۱۰ ق
۵. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه دکتر سید نورالله کسایی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۶. بیان اصفهانی، خلدبرین (تاریخ گویندگان اسلام)، اصفهان، چاپخانه عالی، بی تا
۷. ترکمان، اسکندر بیک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۸. جمعی از نویسندگان، جلوه های هنر در اصفهان، تهران، جانزاده، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش
۹. هموی، یاقوت، معجم الادباء، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الاولی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م
۱۰. خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح، محمدباقر بهبودی، تهرانی، کتابفروشی اسلامییه، ۱۳۵۲ ش
۱۱. خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامییه، ۱۳۵۶ ش
۱۲. داغ، محمد و...، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن ۱ و ۶)، ترجمه: دکتر علی اصغر کوشافر، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش
۱۳. دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش